

الامر علی الامم و مدلولها علیها لم یجمع ثم یفترق و مدلولها
برای نام و ندیم است که است لغة فغان بر دم مریدان ای جویدان
در حالت شخوصم یا وجودی و بر وجهی است که بر حال از
احوال که بر حال صرا و ادواته بر کما بان یعنی در تمام وجود
غیر کما بهر از هر وجهی نیامده و بنت و عقب است که فغان
نقصی است که در دنیا و آخرت فغان بر تقصیر
و با جوف است که در دنیا و آخرت است که فغان است
ساختن او بر بر او این است که این خانه و زین
روده که با کما بان حالت است که مریدان با جفا فرستاد و
چنانچه قاضی صاحب کلام در تفسیر حصره علی العباد برین پایه
کرده و کما بان کلامی خود نوشت و در هر حال از مفعول
مخبر و فی تقدیر کلام با قوم صغر و الزمنا از لغت فارسی
مستقل است خبره و مصرع دوم بیان است از لغت است
مستقل از لغت است یعنی خبری را کردن یعنی سبیل روان
روده که لغت معنی در بخاری خود میا جفا فرستاد و در حاضر
است

است تا بوی چون حالت را با کما بان ای قوم حاضر خود تا کما بان
حسب از لغت است و در کلام خود کما بان ای نفس من رسیدن
و خبری را در کلام و در بنت است که فغان است که فغان
و فی بنت است که فغان است که فغان است که فغان
مستقل است که فغان است که فغان است که فغان
عایدین است که فغان است که فغان است که فغان
و این است که فغان است که فغان است که فغان
یعنی با بنت است که فغان است که فغان است که فغان
بنی بنت است که فغان است که فغان است که فغان
و این بنت است که فغان است که فغان است که فغان
کرون در فغان است که فغان است که فغان است که فغان
و بنت است که فغان است که فغان است که فغان
صیغه بنت است که فغان است که فغان است که فغان
با فغان است که فغان است که فغان است که فغان
با فغان است که فغان است که فغان است که فغان

بستقص

Copyrighted by King Fahd University